



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۵ آبان ۱۴۰۲

موضوع کلی: اعتبار و حجیت قطع

موضوع جزئی: مقام اول - اشکال محقق خراسانی به شیخ انصاری - بررسی اشکال محقق خراسانی مصادف با: ۲۱ ربیع الثانی ۱۴۴۵

جلسه: ۲۴

سال پانزدهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم به واسطه شبهه‌ای که در این مقام مطرح شده، مبنی بر اینکه آن دسته از قطع‌هایی که از راه مقدمات عقلی حاصل می‌شود معتبر نیست بلکه تنها قطع حاصل از مبادی نقلی یعنی قرآن و روایات معتبر است. اگر قطع به حکم شرعی از راه آیه و حدیث حاصل شود این معتبر است اما اگر از راه مقدمات عقلی پدید بیاید حجت نیست. این شبهه‌ای است که شیخ انصاری آن را به اخباریین نسبت دادند لکن محقق خراسانی در این نسبت تردید کردند و فرمودند این نسبت صحیح نیست. عبارات محدث استرآبادی و محدث بحرانی از رسائل شیخ انصاری دیروز نقل کردیم، اجمالاً اشاره‌ای به این عبارات شد.

در ادامه شیخ انصاری یک ان قلتی را مطرح کرده است که این مسئله را تحکیم می‌کند که اخباری‌ها قطع حاصل از مقدمات عقلی را قبول ندارند که آن را ذکر خواهیم کرد. ایشان هم چنین دو احتمال در کلام اخباریین ذکر می‌کند:

۱. قطع اگر از راه دیگری غیر از کتاب و سنت حاصل شود معتبر نیست.

۲. از نظر اخباری‌ها استدلال‌های عقلی به خاطر لغزش‌ها و اشتباهات کثیری که در آنها رخ می‌دهد قابل اتکاء نیستند و آنها خوض در مطالب عقلی را منع می‌کنند.

اشکال محقق خراسانی به شیخ انصاری

با همه این اوصاف محقق خراسانی به کلی منکر این معناست. ایشان می‌گویند اخباری‌ها کلاً دو مطلب را ادعا کردند:

۱. انکار ملازمه بین حکم عقل و شرع. ایشان می‌گویند بخشی از عبارات اخباریین مربوط به ملازمه بین حکم عقل و شرع است. آنها می‌گویند بین حکم عقل و حکم شرعی ملازمه‌ای وجود ندارد، اینکه شایع شده است که کل ما حکم به العقل حکم به الشرع، از دید آنها مقبول نیست.

۲. مقدمات عقلیه برای انسان موجب یقین و قطع نمی‌شود بلکه افاده ظن می‌کند و ظن حاصل از مقدمات عقلی حجت نیست. این غیر از این است که ما به گردن اخباری‌ها بگذاریم که آنها قطع حاصل از مقدمات عقلی را معتبر نمی‌دانند.

ایشان می‌گویند: این دو مطلب در کلمات اخباری‌ها وجود دارد، یکی اینکه اینها ملازمه را انکار کردند و دوم اینکه عقل به طور کلی مفید یقین نیست بلکه موجب ظن است؛ بدیهی است که ظن حاصل از مقدمات عقلی حجت ندارد. پس اینها اینکه قطع و یقین حاصل از مقدمات عقلی حجت نیست را اصلاً مطرح نکردند. لذا این نسبت را انکار می‌کند و بعد بر اساس آن مطلبی که خود ایشان فرموده و دیروز اشاره کردیم می‌گویند هیچ فرقی در حجیت و اعتبار قطع بین قطع حاصل از مقدمات عقلی و مقدمات نقلی نیست، قطع طریقی علی‌ای حال حجت است. بحثی در این نیست.

بله قطع موضوعی می‌تواند از ناحیه کسی که آن را جزء موضوع یا تمام الموضوع در قضیه شرعیه قرار می‌دهد بین مبادی و مقدماتش تفکیک شود اما در قطع طریقی اینچنین نیست. قطع به طور کلی چه از راه مقدمات عقلی و چه مقدمات نقلی به دست بیاید این حجیت دارد.

سوال:

استاد: شیخ انصاری فرمود اخباری‌ها معتقدند که قطع حاصل از مقدمات عقلی معتبر نیست، محقق خراسانی در برابر ایشان گفتند که اخباری‌ها اصلاً چنین چیزی نگفتند بلکه دو چیز را بیان کردند:

۱. اینکه ملازمه بین حکم عقلی و شرعی وجود ندارد؛ می‌گوید اینها اصلاً ملازمه را منکر شدند، شیخ انصاری که اصلاً حرف ملازمه را نزده است، محقق خراسانی در مقام اثبات نادرست بودن این نسبت می‌گوید اخباری‌ها اولاً بعضی ملازمه را انکار کردند که این نسبتی به آن سخن شیخ انصاری ندارد، اینکه ملازمه را انکار کنند چه ربطی دارد به عدم حجیت قطع حاصل از مقدمات عقلی.

۲. آنچه اخباری‌ها گفتند این است که مقدمات عقلی و مطالب عقلی و استدلالات عقلی صرفاً ظن آور است و موجب قطع نمی‌شود. لذا نتیجه می‌گیرند که اخباری‌ها نزاعشان با ما در اینجا یک نزاع صغروی است نه کبروی یعنی اینکه آیا مطالب و مقدمات عقلی ظن آور است یا یقین آور؟ این نزاع صغروی است. آنها می‌گویند مطالب و مقدمات عقلی مفید یقین نیست ولی ما می‌گوییم می‌تواند مفید یقین باشد. این یک نزاع صغروی است. محقق خراسانی می‌گوید نزاع اخباری‌ها با اصولیین یک نزاع صغروی است نه کبروی کما قال الشیخ. سخن شیخ انصاری کأنه نزاع اخباریین با اصولیین را یک نزاع کبروی می‌داند.

خود محقق خراسانی هم به کلام محدث استرآبادی استناد و آن را نقل می‌کند و هم کلامی از سید صدر. می‌گوید از کلام سید صدر استفاده می‌شود که اخباری‌ها ملازمه را قبول ندارند هم از کلام محدث استرآبادی هم نتیجه می‌گیرد که اخباری‌ها معتقدند عقل هیچ گاه یقین آور نیست. عقل همیشه موجب ظن است.

بررسی اشکال محقق خراسانی

ما اگر بخواهیم تفصیلاً عبارات سران اخباریین، محدث استرآبادی، سید نعمت الله جزایری، محدث بحرانی، سید صدر را بررسی کنیم زمان می‌برد و اینجا مجالش نیست، البته یک اشاره‌ای به برخی از عبارات ایشان کردیم. آنچه اجمالاً از عبارات آنان به دست می‌آید این است که در این مجال و در این نزاع بعید نیست حق با شیخ انصاری باشد. برخی عبارات ملازمه را انکار می‌کنند ولی از مطالب آنها استفاده می‌شود که نزاع آنها با اصولیین صرفاً یک نزاع صغروی نیست. من برخی از عبارات ایشان را دیروز نقل کردم؛ اینکه می‌گوید روایاتی داریم مثل «کل ما لم یخرج من هذا البیت فهو باطل» هرچه از این بیت خارج نشود باطل است، این را از امام باقر(علیه السلام) نقل می‌کند. معنای این سخن چیست؟ ظاهر عبارت این است که چنانچه عقل به یک حکمی برسد باطل است و اعتباری ندارد، این اعم از یقین و غیر یقین است، می‌گوید «کل ما لم یخرج من هذا البیت فهو باطل»، ما خرج من العقل از مصادیق ما لم یخرج من هذا البیت است، البته به تعبیر اخباریین؛ ما الان نمی‌خواهیم بگوییم این حرف درست است یا خیر؟ این حرف باطل است ظاهر عبارت اخباریها این است که آنها با ما در صغری نزاع دارند یا کبری؟ آیا فقط می‌خواهند بگویند که عقل هیچ گاه یقین آور نیست یا می‌خواهند بگویند عقل معتبر نیست ولو اینکه مفید یقین باشد؟ ظاهر عبارات اینها این است که حق با شیخ انصاری است و نزاع آنها صرفاً یک نزاع صغروی نیست.

شیخ انصاری در رسائل می‌فرماید «و ینسب الی غیر واحد من اصحاب الاخباریین عدم الاعتماد علی القطع حاصل من المقدمات العقلیه القطعیه الغیر الضروریه» عبارات را ملاحظه فرمودید، اینکه محدث استرآبادی در حکمت نظری می‌گوید ادراکات عقلی ما بر دو قسم است یک قسم مقدمات قریب به حس دارد و یک قسم مقدمات حسی ندارد یا اگر مقدمات حسی دارد بعیده عن الحس است، تصریح می‌کند ایشان که ادراکات عقل نظری یا به تعبیر دیگر ادراکات نظری عقل معتبر نیست. این ظهور در این دارد این ادراک ولو اینکه یقینی باشد اعتبار ندارد. اینجا بحث از این نیست که یقین از مقدمات عقلی حاصل نمی‌شود، نمی‌خواهد بگوید که مقدمات عقلی صرفاً ظن آور است، بلکه می‌گوید ادراکات عقل نظری معتبر نیست. مقصود از حکمت نظری در واقع آن چیزی است که عقل از هستی و اشیاء و حقایق دریافت می‌کند.

بله اگر مقدمات عقلی مبتنی بر حس باشد اشتباه رخ نمی‌دهد ولی اگر خارج از حس باشد اشتباه می‌کند، این اشتباه کردن یا اشتباه نکردن به معنای این نیست که یقین پیدا می‌کند یا ظن پیدا می‌کند زیرا چه بسا انسان یقین پیدا می‌کند و اشتباه هم می‌باشد؛ جهل مرکب چیست؟ جهل مرکب چیزی است که انسان به آن یقین دارد در حالیکه مطابق واقع نیست. پس یقین وجود دارد ولی مطابق با واقع نیست یعنی اشتباه است ولی در عین حال متیقن است، قطعی است.

از مرحوم جزایری نیز نقل کردیم که ایشان مثل مرحوم استرآبادی علوم را به آلی و استقلال تقسیم کرد و حکمت را به عملی و نظری و نظری را به حسی و غیر حسی تقسیم کرد، هم چنین فرمود که احکام عقلی دو نوع است احکام عقلی بدیهی و احکام عقلی غیر بدیهی؛ احکام عقلی بدیهی را به مثل استحاله اجتماع نقضین یا الکل اعظم من الجزء مثال زد، بعد گفت اگر یک دلیل عقلی غیر بدیهی با دلیل نقلی تعارض کرد دلیل نقلی مقدم است؛ آیا این معنایش این است که دلیل عقلی قطع آور نیست؟ اصلاً سخن از این نیست. می‌گوید اگر یک دلیل عقلی غیر بدیهی با یک دلیل نقلی تعارض کرد ولو ظنی باشد و اگر چه دلیل عقلی قطعی باشد، اما دلیل نقلی مقدم می‌شود؛ این معنایش این است که عقل موجب یقین نیست؟ اینکه تصریح می‌کند به اینکه عقلی قطعی، در غیر بدیهیات، مقدم بر نقل ظنی است. والا همین‌ها بدیهیات را انکار نمی‌کنند و برخی از مقدمات عقلی که موجب یقین می‌شوند را قبول دارند، اخباریین که الکل اعظم من الجزء را انکار نمی‌کنند.

پس نه تنها به نظر اخباریین عقل می‌تواند موجب حصول یقین شود در بدیهیات، بلکه حتی در غیر بدیهیات نیز به نظر آنها عقل می‌تواند یقین آور باشد.

با این حساب چطور بگوییم نزاع اخباریین و اصولیین یک نزاع صغروی است؟ معنای نزاع صغروی این است که اخباریین می‌گویند عقل یقین آور و قطع آور نیست و تنها نقل است که یقین آور است و یقینش معتبر است (این حرف محقق خراسانی بود) محقق خراسانی می‌گفت اینها نمی‌گویند قطع حاصل از مقدمات عقلی حجت نیست بلکه آنها می‌گویند که قطع حاصل از مقدمات عقلی یقین آور نیست. در حالیکه شما ملاحظه کردید که عبارات اینچنین نیست.

لذا در مجموع به نظر می‌رسد که در این اختلاف حق با شیخ انصاری است و نسبتی که ایشان به اخباری‌ها داده‌اند درست است و اینکه محقق خراسانی می‌فرماید این نسبت با درست نیست و اخباریها چنین عقیده‌ای ندارند به نظر می‌رسد مخدوش است و اشکال محقق خراسانی صحیح نیست.

سوال:

استاد: آن که حکم عقل است ما این را گفتیم ولی اینکه محقق خراسانی می‌گوید یقین نمی‌تواند از راه مقدمات عقلی حاصل شود، به لحاظ چه می‌گوید؟ این عبارت روشن است؛ ظاهر عبارت ایشان این است که می‌خواهد بگوید آن مقدمات عقلی یقین آور نیست، نه اینکه لزوم پیروی ندارد، این به اعتبار آن اثر حداقل در عبارات ایشان این نیست. بلکه کسی می‌تواند توجیه کند و بگوید اینکه محقق خراسانی گفته است عقل و مبادی عقلی موجب حصول یقین نیست منظورش این است که پیروی از آن لازم نیست و ولی این خیلی تکلف دارد و توجیه دور از ذهن است، یعنی با ظاهر عبارت جور در نمی‌آید؛ بلکه ممکن است مطلب را درست کند؛ ولی چرا محقق خراسانی این را گفت، می‌گفت پیروی قطع لازم نیست، نه این بگوید عقل موجب حصول ظن است، موجب قطع نیست.

بحث جلسه آینده

حال ما باید ببینیم آیا واقعا این حرف درستی است یا اشتباه؟ چرا می‌گوییم حرف اخباریین درست نیست؟ چرا فرقی بین قطع حاصل از نقل و عقل نیست؟

«والحمد لله رب العالمین»